

کنترل های داخلی و نظام راهبری شرکتی

۱. نقش اخلاق در حسابداری را توضیح دهید.
۲. نارسایی کنترل های داخلی در مورد دریافت های نقدی را توضیح دهید.
۳. حسابرسیان داخلی و مستقل چه کسانی هستند.
۴. حسابرسی عملکرد در رسیدگی به عملیات قسمت خرید چه مواردی را باید مورد توجه قرار دهد.
۵. ویژگی های یک سیستم خوب کنترل داخلی چیست. ذکر ۳ مورد.
۶. برنامه حسابرسی منابع انسانی شامل چه مواردی است. یک مورد را تشریح نمایید.
۷. چرا سیستم کنترل داخلی باید ارزیابی شود.
۸. چارچوب کنترل های داخلی برای نظام بانکی را ذکر نمایید.
۹. پرسشنامه کنترل داخلی شامل چه مواردی است.
۱۰. رویه های حسابرسی برای ارزیابی کنترل های داخلی را نام ببرید.

جواب کنترل داخلی و نظام راهبری شرکتی

۱. فرایندی است که منظور کسب اطمینان از تحقق اهدافی که در سه گروه اصلی زیر دسته بندی میشود توسط هیات مدیره، مدیریت و سایر کارکنان یک واحد اقتصادی برقرار میشود که شامل اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اعتماد گزارش دهی مالی و رعایت حقوق و مقررات مربوط میباشد.

۲. راهبری شرکتی سازوکار هدایت و کنترل سازمان است که مسئولیت های مختلف را تعیین میکند و میتواند کلید جذب سرمایه مالی و نیروی انسانی برای شرکت های موفق باشد. بنابراین راهبری شرکتی به عنوان یکی از زیر ساخت های ضروری در کشور برای بهبود فضای کسب و کار، شفافیت فعالیت های اقتصادی و پاسخگویی مدیران در سازمان ها و واحدهای تجاری استقرار یافته و زمینه های موفقیت را فراهم نماید. تضاد منافع بین مدیران و صاحبان اصلی شرکت، عدم تقارن اطلاعات، امکان فرصت طلبی و بالا بودن هزینه های نظارتی از جمله عواملی هستند که لزوم ایجاد نظام راهبری شرکتی را ایجاب میکنند. با توجه به گسترش جریان خصوصی سازی و

افزایش سوء استفاده های مالی، راهبری شرکتی اهمیت ویژه ای یافته است.

۳. تفاوت در نگرش پیرامون حقوق ذی نفعان موجب تفاوت در ساختار نظام راهبری شرکتی در کشور های مختلف شده است.

۴. لورش در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار موضع مبهم بودن پاسخگویی هیئت مدیره را مطرح نمود و مدیران را به سه گروه گرایان، منطق گرایان و ساختار گرایان لیبرال تقسیم کرد.

۵. با توجه به بزرگتر و پیچیده تر شدن سازمان ها و گسترده تر شدن حوزه فعالیت آن ها از لحاظ جغرافیایی، مدیران ارشد به تنهایی توان نظارت و سرپرستی فعالیت ها را نخواهند داشت. بنابراین مدیران ارشد نیازمند حسابرسان داخلی هستند که آن ها را در ارزیابی فعالیت ها و گزارش نتایج حاصل یاری رساند. کمیته های حسابرسی از زمانی که در دهه ۱۹۴۰ مطرح شدند، نقش مهمی در اداره امور شرکت های بزرگ داشته اند و در سال های اخیر اهمیت آن ها با توجه به نظام راهبری شرکتی افزایش یافته است.

با توجه به اینکه اعتبار گزارش کمیته حسابرسی برای تحلیل گران تابعی از تخصص حرفه ای اعضا و در برگیرنده مهارت ها و استاندارد های اخلاق حرفه ای و سطح دانش حسابداری و حسابرسی میباشد، اصول راهبری شرکتی به مشارکت اعضای این کمیته در بهبود گزارشگری مالی تاکید میکند. از نظر حسابرسان داخلی وظیفه اصلی آن ها کمک به هیات مدیره و کمیته حسابرسی برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سازمان است. همچنین استفاده بهینه از کنترل های داخلی ، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی موجب سلامت داخلی سازمان و هم افزایی در خلق ارزش میگردد.

۶. هدف اصلی ساز و کار های نظارتی ، شفاف سازی و پاسخگویی است که نظام راهبری شرکتی از جمله عواملی است که برای ایفای مسئولیت پاسخگویی با تاکید بر استقرار کمیته حسابرسی و حسابرس داخلی ، مورد توجه سازمان ها قرار گرفته است. کمیته های حسابرسی برای کارایی بیشتر و تکمیل نقش کنترلی خود در سازمان ،

سیاست های کنترل داخلی قوی تری از طریق افزایش کیفیت گزارشگری مالی ایجاد میکنند.

۷. محیطی که از آن کنترل داخلی به اجرا در می آید و روبروی رویه های کنترل اثر دارد. در حقیقت محیط کنترل فراهم نمودن بر روی رویه ی کنترل اثر دارد و زمینه ای است که و پیاده سازی اصول کنترل داخلی را ممکن میسازد و به این نظام ساختاربخشی میدهد تا موجب نظم و انضباط شود.

۸. مدیریت ارشد شرکت ستون توانمندی های مورد نیاز برای وظایف و مشاغل مختلف را تصویب می نماید و همچنین توانمندی هایی در میزان نوع دانش را تعریف می کند و شرح وظایف مرتبط با همه مشاغل مستقل را بیان می کند.

۹. حتی اگر کنترل داخلی به بهترین وجه طراحی و اجرا شود فقط و فقط میتوان به مدیریت و هیئت مدیره دربارهی تحقق اهداف واحد اقتصادی اطمینان معقول بدهد. محدودیت های ذاتی تمام مستقیم های کنترل داخلی بر احتمال تحقق اهداف تاثیر میگذارد. مثال هایی

از این محدودیت عبارتند از احتمال قضاوت نادرست
انسان به هنگام تصمیم گیری مردم توجه به فزونی منافع
بر مخارج در طراحی کنترل ها و یا مشکلاتی به دلیل
منفعت های انسانی و یا تبانی و هم دستی چند بر کنترل
داخلی غلبه کنند.

۱۰. هیات مدیره مشمول تعهد مالکیت سهام طبق قانون
تجارت و اساسنامه هستند که بر اساس تمهیدات در نظر
گرفته شده در آن، به محض اجرای دستورالعمل های
معین و به شرط حصول شرایط تعهد، در طول مدتی که
عضو هیات مدیره یا مدیریت ارشد می باشند. باید تعداد
سهام عادی لازم را تا تاریخی که مشمول تعهد می شوند
در اختیار داشته باشند. به منظور افزایش کارآمدی
کارکنان و مدیران و شرکت ها تابعه ، هیات مدیره
تمهیداتی خواهد اندیشید که کارکنان و مدیران تعداد
معینی از سهام را در اختیار داشته باشند. این حداقل
تعداد سهام تا تاریخ همکاری کارکنان و مدیران باید حفظ
شود.